

جوینده یابنده است!!

استیضاح پی در پی وزرای کابینه رئیس جمهور اشرف غنی در پارلمان، برای یک تعداد از مردم ما این تصور باطل را به وجود آورده است که گویا پارلمان، یک پارلمان ملی و مردمی است و اعضای پارلمان بر اساس مسئولیت های ملی - مردمی که دارند، وزرای حکومت را، که کار شان مورد تأیید نمایندگان مردم نیست، به پارلمان فرا می خوانند و پیرامون آنچه پارلمان تعلل در کار و فتور در مصرف بودجه انکشافی فکر می کند، از آن ها جویای توضیح می گردد.

چنین پنداری از بیخ و بن نادرست است. دلیل این کار پارلمان در مردمی بودن، در ملی بودن و در احساس مسئولیت کردن و کلاء در برابر وظیفه و کشور و در برابر آنچه در موقع انتخابات به مردم وعده داده اند، نیست. تردیدی نیست که برخی از وکلاء مردمان شریفی هستند که واقعاً به هدف خدمت به مردم خود را کاندید کرده و به پارلمان آمده اند؛ اما بیشتر آن ها، تقریباً اکثریت شان، کسانی هستند که از نام و رأی مردم استفاده کرده، مانند آن هایی که از راه مبارزات انتخاباتی برای احراز کرسی ریاست جمهوری و معامله گری ها امروز در مقام ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه و کرسی های وزارت و ولایت و ریاست و شاروالی جا گرفته اند، اهل طمع هستند؛ کسانی که تنها و تنها در فکر بهره وری از اوضاع تیره و تار و نا بسامان کشور می باشند.

افغانستان طوری که همه می دانیم و می بینیم در نابسامانی، کشمکش، بی امنیتی و جنگ غرق است. از جانبی کشور های غربی به سرکردگی امریکا که ظاهراً به قصد مبارزه با افراط گرایان و تروریستان به این کشور آمده اند، با اعطای میلیارد ها دالر کمک به افغانستان می خواهند از یک طرف نظام و نظم را در افغانستان بسامان بسازند و ارتش را تقویت کنند و از طرف دیگر لانه های تروریستی را در این کشور منهدم کنند؛ آنهم به رهبری یک مشت انسان هایی که تا فرق در لجنزار قوم پرستی، سمتی گرایی و دزدی سرمایه های ملی، به شمول کمک های اعطاء شده از سوی کشور های به اصطلاح دوست، فرو رفته اند و به قول خیلی ها خود یک پا افراط گرا و تروریست هستند.

اگر نگاهی به گذشته ببینیم، به خوبی مشاهده خواهیم کرد که یکی از دلایل عمده ای ارتقاء دولتمردان فعلی بر کرسی های مهم دولتی، از قوه مجریه گرفته تا قوه مقننه و قوه قضائیه، به اصطلاح "گلگلمیری" و اوضاع نابسامان کشور بوده است. هیچ کدام از اعضای این سه مرجع در شرایط آرام و عادی، شرایطی که صلح در کشور مستولی بوده باشد و مردم رأی خویش را آزادانه و به میل خویش، و بر حسب شایسته سалاری به صندوق های رأی ریخته باشند، به کرسی نرسیده اند. میدان شعالی شده بود. رجال ملی - سیاسی استخوان دار در دوران وحشت و ترور خلقی - پرچمی ها و در دوران هول و هراس به اصطلاح مجاهد و در زمان جاهلانی به نام طالب، چون زمینه برای شان مهیا نبود، کسی ترور شده بود، کسی در تبعید به سر میبرد و کسی هم در آن گیر و دار و بزن و ببند و بگش مصلحت را در آن می دید که به گوشه خود بنشیند. برد دولتمردان فعلی در انتخابات، خواه انتخابات شورا ها و خواه انتخابات شهرداری ها و ولایات، یا انتخابات ریاست جمهوری، در یک حکومت شایسته سالار، جایی که انتخاب بر اصل قانون، درایت، کاردانی، تحصیل، پاکي و تعهد به مردم و خاک، و بدون تقلب و تحمیل صورت می گیرد، هر قدر این مسئله را با حزم و احتیاط پیش گویی کنیم، به هیچ وجه قابل تصور نبود و نیست. این واقعیت تجربه ای است برای هر یک از اعضای دولت. باید اوضاع کشور نابسامان و آشفته و ناامن و متضمن جنگ و توطئه باشد و زمینه دست درازی های گوناگون کشورهای خارجی که در فکر فراهم سازی بستر ها برای برد در بازی های حایز اهمیت فوق العاده خویش هستند، کماکان میسر باشد و اشخاص ملی و واقعاً دموکرات از صحنه دور، تا این ها با خاطر آرام و بدون تشویش، چنان که بود و چنان که هست، به خورد و برد خویش ادامه بدهند و قدرت را همچنان در دست داشته باشند.

نبرد میان پارلمان و حکومت ناشی از همین طرز تفکر است: از یک طرف بر سر تقسیم کرسی و ثروت های باد آورده و از جانب دیگر اوضاع را چنان که بود و هست، بحرانی و آشفته نگه داشتن. همان گونه که برخی از حیوانات آبی نمی توانند در آب های صاف زندگی و غذا های پاک را تناول کنند، سیاست بزان و دولتمردان فعلی

ما هم توان زیستن در یک فضای سالم از نظر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در کشور را ندارند. بنابراین تلاش شان همواره این است که آب را گِل آلود نگه دارند تا علی‌الاصول و لاینقطع از باده مدهوش کننده قدرت و ثروت و بالا نشستن و امر کردن مست و خراب باشند.

برای این گروه از مردمان مهم نیست، هیچ تفاوتی نمی‌کند، که مردم در چه بدبختی به سر می‌برند، با چه مصیبت‌هایی رو به رو هستند، چقدر رنج می‌کشند، و کشور را چه تباهی تهدید می‌کند.

پس تو این هموطن! این ابهام را از خود دور کن، که پارلمان و وکلاء برای من و تو با حکومت به جدال برخاسته است؛ یا دوستم و عبدالله و مسعود از یکطرف و غنی و اتمر و استانکزی و یاران دیگر شان از طرف دیگر در غم من و تو شب‌ها "پای لچ" می‌خوابند!

اگر غمی دارید، که دارید، غم‌تان را باید خودتان بخورید. اولین راه نجات از غم‌های بزرگ و تاریخی‌تان، از همه بدبختی‌ها و مصیبت‌ها و خواری‌های‌تان، دور کردن تمام انسان‌های اهل معامله، سودجویانی بی‌عاطفه و بی‌احساس، مفسدین و مزدوران بیگانه، و بیگانه‌ها با این سرزمینی به خاک خفته و خسته و ویران و بر باد داده شده از مقام‌های تصمیم‌گیری است؛ و راه دوم، یافتن انسان‌های واقعاً ملی و مردمی و دلسوز و پاک سرشت، که خوش‌بختانه کم نیستند، و گرد آن‌ها جمع شدن و همراه با آن‌ها به سوی آباد و آزاد ساختن این خاک رفتن.

برخی‌ها می‌پرسند: کجاست چنین انسان‌هایی؟ به جواب این‌ها باید گفت: مگر ممکن است در کشوری با سی و پنج میلیون جمعیت چنین انسان، یا چنین انسان‌هایی وجود نداشته باشند!؟

باید جست؛ با چشمان باز، و با احتیاط که باز هم فریب لفاظی‌ها و فریب کله و صله و عمامه و ریش و لباس و ظاهر و حسب و نسب را نخورد؛ و جست با همه هوش و حواس و دقت و تمرکز، زیرا گفته‌اند که جوینده یابنده است! آخر همه آخر‌ها عزیزان این‌که: نه مایوسی خوب است، و نه همه را به یک چشم دیدن و به یک چوب راندن!!